

بهای زنده ماندن کنت مونت کریستو

خیلی چیزها در زندگی هستند که ما را به جلو هل می‌دهند؛ در واقع انگیزه‌ی حرکت و گاهی زنده ماندن به ما می‌دهند و واداران می‌کنند امیدوار باقی بمانیم.



آزاده نجفیان: خیلی چیزها در زندگی هستند که ما را به جلو هل می‌دهند؛ در واقع انگیزه‌ی حرکت و گاهی زنده ماندن به ما می‌دهند و واداران می‌کنند امیدوار باقی بمانیم.

شاید عجیب و کمی دور از ذهن به نظر برسد، اما انتقام، از قوی‌ترین این انگیزه‌هاست؛ موضوعی که رمان کنت مونت کریستو را شکل می‌دهد.

«ادموند دانت» جوان شاداب و موفقی است که کار و بارش رونق گرفته و به‌زودی قرار است با دوست دوران کودکی‌اش «میرسیده»، ازدواج کند. اما درست در روز عروسی‌اش به جرم جاسوسی و خیانت دستگیر و به زندانی دورافتاده و ترسناک تبعید می‌شود؛ زندانی که هرگز کسی از آن زنده برنگشته است.

دانت که اسیر سرنوشتی نامعلوم شده است، سؤال بزرگ و آزاردهنده‌ای دارد که باید جوابی برای آن پیدا کند و این شروع مسأله، طه‌لانی، به سه، هاب، است. شیخ نویسنده

دوما خودش به این موضوع اشاره کرده که ایده‌ی انتقام را برای موضوع کتابش از داستانی مشابه، نوشته‌ی «ژاک پوشه» الهام گرفته است. پوشه در بایگانی اداره‌ی پلیس کار می‌کرده و به نظر می‌رسد کتاب او که بعد از مرگش چاپ شده، برگرفته از ماجراهای واقعی باشد.

داستان پوشه درباره‌ی جوان کفافی است که مورد حسادت سه نفر از نزدیکانش قرار می‌گیرد و سال‌ها بعد از عوامل بدبختی خود انتقام می‌گیرد. دوما این طرح داستانی را گسترش می‌دهد و به بار ادبی آن می‌افزاید تا کنت مونت کریستو خلق شود.

کنت مونت کریستو در اصل به شکل داستانی دنباله‌دار در 18 قسمت به مدت دو سال در روزنامه چاپ می‌شده است. این داستان دنباله‌دار در زمان خود بسیار مورد توجه و علاقه‌ی مردم بود و خوانندگان پیگیری داشت. الکساندر دوما از روی کتاب، نمایش‌نامه‌ای در سه قسمت تنظیم کرد و در پاریس روی صحنه برد.

گفته شده اجرای قسمت اول نمایش از ساعت 18 تا 24 طول کشیده است! همان‌طور که همیشه این شایعه وجود داشته که نمایش‌نامه‌های شکسپیر را کس دیگری می‌نوشته است، در مورد دوما هم این شک وجود دارد که احتمالاً دوست او، آگوست ماکه، ایده و طرح اصلی داستان‌ها را فراهم می‌کرده و دوما به آن‌ها سر و سامان می‌داده و به اسم خود منتشر می‌کرده است. اب، که هاقبت حبست، معمار، تابخ، است. شاهزاده‌ی فقیر

«الکساندر دوما» در سال 1802 در روستایی نزدیک پاریس به دنیا آمد. پدر الکساندر یکی از ژنرال‌های ارتش ناپلئون بود که بعد از برکناری ناپلئون فقیر و خانه‌نشین شده بود و چهار سال بعد از به دنیا آمدن پسرش از دنیا رفت. الکساندر با داستان‌هایی که مادرش از قهرمانی‌های پدر در میدان جنگ برایش تعریف می‌کرد بزرگ شد و توانست با استفاده از باقی‌مانده‌ی اعتبار پدر اشراف‌زاده‌اش، منشی دوک اورلئان شود و به پاریس نقل مکان کند.

الکساندر جوان شروع به نوشتن یادداشت و مقاله در مجله‌ها و روزنامه‌ها کرد و وقتی به اندازه‌ی کافی جرئت و اعتمادبه‌نفس پیدا کرد، اولین نمایش‌نامه‌اش را با نام «هنری سوم» نوشت که آغاز موفقیت، شهرت و ثروت او بود. دوما به نوشتن نمایش‌نامه ادامه داد و وقتی به اندازه‌ی کافی ثروتمند شد، شروع به نوشتن رمان‌های تاریخی کرد. با ثروتی که دوما از نوشتن جمع کرده بود، در پاریس برای اجرای نمایش‌نامه‌های تاریخی‌اش تماشاخانه‌ای ساخت و در حومه‌ی پاریس هم کاخی به نام مونت کریستو برای ساعات تفریح و نوشتن پی‌ریزی کرد.

اما از آنجایی که بسیار ولخرج و دست‌ودلباز بود، خیلی زود زیر بار قرض رفت و پروژه‌هایش، نیمه‌کاره باقی ماندند. از طرفی با تغییر حکومت در فرانسه، دوما که وابسته به دربار قبل بود، دیگر چندان محبوب نبود. بنابراین از ترس طلبکارها و حکمرانان جدید برای دو سال به روسیه فرار کرد. الکساندر در راه برگشت از روسیه به ایتالیا رفت، آن هم درست زمانی که انقلابی مشهور، «گاریبالدی»، سخت مشغول مبارزه بود.

دوما به مبارزان انقلابی پیوست و حتی در حمایت از آن‌ها روزنامه‌ای با نام استقلال منتشر کرد. اما در نهایت به پاریس بازگشت، در حالی‌که از ثروت افسانه‌ای‌اش چیزی باقی نمانده بود و بالأخره در سال 1870 درگذشت. الکساندر دوما 300 اثر شامل نمایش‌نامه، سفرنامه، رمان، مقاله، یادداشت و... نوشت. او پسری داشت که راه پدر نویسنده‌اش را دنبال کرد و به الکساندر دومای پسر شهرت یافت.

الکساندر دوما پرخواننده‌ترین نویسنده به زبان فرانسه است. «سه تفنگدار»، «ملکه مارگو»، «گردنبند ملکه» و «لاله‌ی سیاه»، از دیگ آثا، مشفه، اه هستند.
هیجان تاریخی

«الکساندر دوما» از نویسندگان مشهور مکتب رمانتیسیم است. قرن نوزدهم در اروپا دوران اوج اندیشه‌ی رمانتیک است. این جنبش ادبی در واکنش و مخالفت با عقل‌گرایی به‌وجود آمد. بنیان‌گذاران این مکتب احساس و تخیل را مهم‌تر و برتر از عقل می‌دانستند و معتقد به آزادی اندیشه و تخیل بودند. رمانتیک‌ها بسیار به داستان‌های پریان و ماجراهای قهرمانانه توجه می‌کردند.

رمان تاریخی یکی از محصولات این جنبش ادبی است که در آن نویسنده به بازسازی آزادانه و خلاقانه‌ی یک دوره‌ی تاریخی می‌پردازد و معمولاً قهرمان سرشناسی هم در داستان حضور دارد که در آخر کتاب عاقبت‌به‌خیر می‌شود. دوما به‌ویژه با دو رمان بزرگ خود، «کنت مونت‌کریستو» و «سه‌تفنگدار»، از موفق‌ترین نویسندگان رمان‌های تاریخی است و تاریخ فرانسه‌ی قبل و بعد از انقلاب را با ماجراجویی‌های قهرمانان این دو رمان، «ادموند دانت» و «دارتانیان»، در هم می‌آمیزد و خواندن تاریخ را راحت، لذت‌بخش و هیجان‌انگیز می‌کند.